

کنار آب

دو روز است که جلسه کمیته های نظام پزشکی تهران بزرگ تشکیل می شود و من در آنها شرکت می کنم. بطور خیلی استثنایی جلسه ها زودتر از موعد اعلام شده تمام می شود و من ناچارم دقایقی را به انتظار در طبقه همکف بمانم و از شما چه پنهان بعلت آشامیدن دو فنجان چای و کمی آب و یک نارنگی وارداتی و یک خیار سبز ایرانی، نیاز به جایی پیدا می کنم که در محل ما بدان کنار آب می گفتند و یا به شیوه محلی کنار او، جایی برای خالی کردن مثانه!

اما در طبقه همکف هیچ اثری از هیچ تابلو راهنمایی که جاهای مختلف بویژه این محل راهبردی را نشان دهد، وجود ندارد.

اساساً در کشور ما فرهنگ اطلاع رسانی بسیار ضعیف است، شما باید بیشتر مسائل را خودتان حدس بزنید یا سؤال کنید. امری که در تمام ساختمان های عمومی در سایر نقاط جهان دیده نمی شود. معمولاً در این ساختمان ها، تابلوهای بسیار زیادی تکلیف شما را از هر نظر روشن می کنند، حتی پله فرار و حتی کنار آب!

یادم می آید روزی برای دیدن دوستی به طبقه ۱۷ وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی رفتم. وقتی ملاقات تمام شد و بیرون آمدم، خودم را در راهرو بی پایانی دیدم که هیچ تابلو راهنمایی در آن نبود. با خود گفتم مثانه پر که آدم را نمی کشد، ولی اگر زبانم لال آتش سوزی شود، به کدام سوی باید بگریزم؟! یا پله فرار کجاست!؟

اصلاً انشاءاله که خطری پیش نیاید، آسانسور برای پائین رفتن کجاست!؟
راه پله کدام سمت و سوی است!؟

اصل اطلاع رسانی یا روشن کردن تکلیف مراجعان امر بسیار مهمی در مکان های عمومی است و فکر می کنم نیاز به رجوع به کارهای کارشناسی انجام شده دارد. باید روشن شود که:

- ۱- نیازهای مردمی که به یک مکان عمومی مراجعه می کنند، چیست؟
- ۲- مکان هایی را برای رفع این نیازها تدارک دید.
- ۳- تابلوهای راهنمای کاملاً مشخص مردم را به سوی آن مکان ها راهنمایی کرد.
- ۴- خطرهایی که ممکن است در این ساختمان عمومی مردم را تهدید کند، کدامین هستند!؟
- ۵- چگونه باید جان و مال مردم را از این خطرها حفظ کرد؟

این امر بخوبی در آن دنیای دیگر مورد توجه قرار گرفته است. بعنوان نمونه وقتی شما وارد یک فرودگاه می شوید، از درب ورودی تا مقصد هیچ محلی برای ابهام وجود ندارد.

برخلاف فرودگاه بین المللی ما که حتی جهت رفتن بسمت درب های خروج مهم و علی رغم سادگی ساختمان، در بار اول حتماً احتمال اشتباه وجود دارد و یا برای پیدا کردن سرویس بهداشتی ناگزیر به سؤال هستید.

این مشکل در محل نشیمن همکف ساختمان نظام پزشکی هم وجود دارد و همه می دانیم رفتار یکسان یعنی فرهنگ و وجود یک فرهنگ بدلیل زیرساخت های ذهنی و ناخودآگاه مردم است. و در ناخودآگاه مردم ما جای کمی برای فکر کردن به دیگران و نیازهای آنها و دیدن دیگران و اهمیت دادن به آنها وجود دارد.

این بطور حتم یکی از نشانه های شهروندی و مدنیّت است.